



بیانات در دیدار مردم قم - 19 دی / 1396

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيّما بقيه الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم شجاع و دلاور قم و جمعی از روحانیون محترم و علمای مکرم. روز نوزدهم دی هر سال برای این حقیر این مژده را به همراه دارد که با شما مردم مؤمن و شجاع و شریف یک ملاقاتی را ما اینجا داریم.

قم سرشار از انگیزه است، سرشار از امید است؛ هم امیدوار است، هم امیدبخش است. قم یک شهر پیشرو و دارای مردم قطعاً پیشرو در کشور ما است. از روز نوزدهم دی سال ۱۳۵۶ - که ما قضایای قم را از دور شنیدیم و هنوز هیچ خبری در کشور نبود از اجتماعات مردمی و هیجانات مردمی، و قم به پاخاست و قیام کرد و سینه سپر کرد و کشته داد و شهید داد - تا امروز که چهل سال است، قم در صراط مستقیم، حرکت مستمر خودش را ادامه داده است. امسال هم شما دیدید که در روز نهم دی، مردم قم آن راهپیمایی را به طور مرسوم - که در همه جای کشور بود - انجام دادند لکن به آن اکتفا نکردند؛ روز سیزدهم دی [هم] آن راهپیمایی پُرشور، آن حرکت عظیم را انجام دادند.

حرف همیشه‌ی ملت ما همین است؛ حرف ملت عزیز ما، قشرهای ما، شهرهای مختلف ما، جوانهای ما، حرف انقلاب و نظام اسلامی و ایستادگی در مقابل زورگویی و زیر بار تحمیل قدرتها نرفتن است. حرف ملت در تمام این سالهای متمادی یک حرف بود و امروز که چهل سال از آن روزها میگذرد، ملت ما همان منطق، همان مسیر، همان هدف را دنبال میکند؛ منتها امروز پخته‌تر است، باتجربه‌تر است، واردتر است. از لحاظ انگیزه هم اگر نگوئیم امروز جوانهای ما پُرانگیزه‌تر از آن روز هستند، حداقل مثل همان انگیزه‌ها را دارند، علاوه بر اینکه پُر تعدادترند؛ یعنی امروز تعداد جوانهای مؤمن پُرانگیزه‌ای که حاضرند در میدانهای خطر سینه سپر کنند، چندین برابر جوانهای ما در آستانه‌ی انقلاب و در سالهای اوّل انقلاب است؛ این خطّ مستمرّ این کشور است. خب، بنده همیشه این حرفها را البته میزنم، همیشه هم یک شواهدی، قرائنی وجود دارد، لکن آنچه این روزها اتفاق افتاد، شواهد روشن و واضحی بر این قضیه بود. همین‌طور که عرض کردیم، ملت ایران در اقصی نقاط کشور، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، از روز نهم دی - که این آتش‌بازی‌ها و این شیطنت‌کاری‌های افرادی که بعد عرض خواهیم کرد، تازه شروع شده بود - در همه‌جای کشور این حرکت را آغاز کردند، بعد که دیدند نه، مزدوران دشمنان دست‌بردار نیستند، آن وقت پی‌درپی، روزهای متوالی این راهپیمایی تکرار شد؛ از روز سیزدهم در قم، در اهواز، در همدان، در کرمانشاه، تا روز چهاردهم، روز پانزدهم، روز شانزدهم، روز هفدهم در شهرهای مختلف، در شهرهای بزرگ، و باز در مشهد، در شیراز، در اصفهان، در تبریز. اینها حوادث معمولی نیست؛ اینها هیچ جای دنیا وجود ندارد؛ من این را از روی اطلاع عرض میکنم. این حرکت عظیم منسجم مردمی در مقابل توطئه‌ی دشمن، با این نظم، با این بصیرت، با این شور، با این انگیزه در هیچ جای دنیا نیست؛ و این چهل سال است که ادامه دارد، بحث یک سال و دو سال و پنج سال و مانند اینها نیست؛ نبرد ملت با ضدّ ملت است، نبرد ایران با ضدّ ایران است، نبرد اسلام با ضدّ اسلام است؛ این [نبرد] ادامه داشته و البته بعد از این هم خواهد بود؛ منتها سرگرم شدن ملت ایران به مبارزه و ایستادگی و استقامت، موجب نشده است که از بقیه‌ی ابعاد و زوایای زندگی غافل بشوند، [بلکه] همین جوانهای شما، بچه‌های شما پیشرفتهای علمی را به



وجود آورده‌اند، همین مأموران شما کارهای بزرگ [برای] آبروی ملت ایران در کشور و در منطقه انجام داده‌اند. یعنی ملت نشان داد که یک ملت زنده است، یک ملت بانشاط است، یک ملت باخدا است، و خدا هم کمک میکند.

خب، در واقع همه‌ی حرکاتی که دشمن در این چهل سال در مقابل ما انجام داده است، پاتک انقلاب است. انقلاب ریشه‌ی دشمن را از لحاظ سیاسی در کشور کند، و دشمن حالا مرتباً پاتک میکند و در هر دفعه هم شکست میخورد؛ اقدام میکند و نمیتواند؛ نمیتواند پیش ببرد؛ به‌خاطر ایستادگی، به‌خاطر این سدّ محکم مردمی و ملی؛ این بار هم ملت، با قدرت تمام به آمریکا و به انگلیس و به لندن نشین‌ها میگوید: این دفعه هم نتوانستید، باز هم نخواهید توانست. میلیاردها دلار هزینه کردند - [این] واقعی است که میلیاردها هزینه کردند - سالها شبکه‌سازی کردند، مزدورپروری کردند برای اینکه بتوانند از درون، کار را مشکل کنند. [قبلاً] نمیگفتند؛ مسئولین امروز آمریکا که خب ساده‌لوحی‌شان در امور سیاسی آشکار است، لو دادند خودشان را و گفتند «از بیرون نمیشود با ایران دست‌وپنجه نرم کرد، از درون باید خرابش کنیم»؛ یعنی همین کاری که چند سال است دارند میکنند: شبکه‌سازی، مزدورسازی؛ بعد برای مخارجش سرکیسه کردن دولتهای وابسته، بیابند اینجا و سراغ فلان دولت ثروتمند پول‌دار خلیج فارس بروند و سرکیسه کنند آنها را برای اینکه بتوانند مخارجشان را اینجا و جاهای دیگر روبه‌راه کنند؛ زیاله‌های فراری از ایران را بازیافت کنند، آنها را دوباره وارد میدان کنند، اگر بشود بازیافتشان کرد؛ هزاران شبکه‌ی مجازی راه انداختند، ده‌ها کانال تلویزیونی به راه انداختند، کانالهای ماهواره‌ای به راه انداختند؛ جوخه‌های ترور و انفجار درست کردند و به داخل مرز فرستادند، چه از جنوب شرقی، چه از شمال غربی؛ بمباران دروغ و تهمت و شایعه را روی سر این ملت ریختند، شاید بتوانند افکار این مردم را، بخصوص جوانان نارس ما را عوض کنند - جوان عزیز ما، این جوانی که نه امام را دیده، نه انقلاب را دیده، نه دوران دفاع مقدس را دیده، نه شهدای نامدار بزرگ ما را دیده، روی ذهن اینها [میخواستند] اثر بگذارند؛ نتیجه‌اش چه میشود؟ [میشود] شهید حججی؛ این شهید عزیز اخیر نجف‌آباد و شهدای دیگری که در این دو سه روز شهید شدند؛ اینها همه همین جوانها بودند - و تطمیع کسانی در داخل؛ نفوذ در برخی از ارکان؛ [البته] خودشان مستقیم هم وارد میشوند، شما دیدید - بعداً عرض خواهم کرد - دخالتهای مسئولان آمریکایی را در این چند روز به‌وسیله‌ی همین شبکه‌های اینترنتی و امثال اینها؛ [اما] باز هم نتوانستند؛ با همه‌ی این تلاشها ناکام ماندند.

من لازم است از ملت عزیزمان تشکر کنم؛ هزار بار باید تشکر کنم، نه یک بار. ملت، حقیقتاً یک ملت رشید، وفادار، با بصیرت، با همت، زمان‌شناس، لحظه‌شناس [است] که میدانند لحظه‌ی حرکت کی است. روز پنجشنبه (۱) در مشهد آن قضایا شروع شد؛ روز شنبه آن راه‌پیمایی عجیب [برگزار شد] که شاید چند سال بود با این شور و هیجان در مشهد راه‌پیمایی نشده بود؛ بعد، یکی دو روز کارهای پراکنده‌ی دیگری انجام گرفت که همه مطلعید؛ بعد، از سیزدهم دی تا هفدهم دی، حداقل پنج روز پشت سر هم [مردم به میدان آمدند]. واقعاً وفاداری ملت، لحظه‌شناسی ملت، [اینکه] بدانند هر زمانی چه کار میخواهند بکنند [قابل تشکر است]. خب، دیگران این پیامها را میگیرند؛ بله در تبلیغاتشان، صدها نفر اخلاک‌گر و تخریب‌کننده را هزاران نفر نشان میدهند، [اما] حرکات میلیونی ملت را در تظاهرات به‌عنوان یک گروه [کوچک] یا چند هزار نفر معرفی میکنند! در تبلیغات این‌جوری میگویند، اما میفهمند؛ صاحبان سیاستهایشان می‌بینند، [ولی] به رو نمی‌آورند؛ یعنی ملت کار خودش را میکند، تأثیر خودش را میگذارد، رعب خودش را در دل سیاست‌گذاران دشمن نفوذ میدهد با این حرکت عظیمی که انجام میدهد. ملت بصیرتشان را واقعاً به اوج رساندند؛ حقیقتاً این ملت به اوج رساندند بصیرت خودشان را و در این چند روز انگیزه‌ی خودشان را خوب نشان دادند.



[اما] تحلیل؛ در این روزها تحلیل‌های گوناگونی از طرف اشخاص مختلف و جناحها، در روزنامه‌ها، در شبکه‌های اینترنتی نسبت به این قضایا انجام گرفت؛ در این تحلیل‌ها یک نقطه‌ی تقریباً مشترکی وجود داشت که آن نقطه، نقطه‌ی درستی است و آن تفکیک بین مطالبات صادقانه و به‌حق مردم و حرکات وحشیانه و تخریبگرانه‌ی یک گروه است؛ اینها از هم باید تفکیک بشود. اینکه فلان انسانی از یک حقی محروم بماند و اعتراض بکند یا این اعتراض‌کننده‌ها - صد نفر، پانصد نفر - بیایند یک جایی جمع بشوند و حرف خودشان را بزنند، یک مطلب است؛ و اینکه یک عده‌ای از این تجمع و از این انگیزه سوءاستفاده کنند و بیایند به قرآن دشنام بدهند، به اسلام دشنام بدهند، به پرچم اهانت کنند، مسجد را بسوزانند، تخریب کنند، آتش بزنند، یک حرف دیگر است؛ اینها دو مقوله است؛ اینها را با هم مخلوط نباید کرد. آن تمناهای مردمی یا اعتراضهای مردمی یا درخواست‌های مردمی، در این کشور همیشه بوده، الان هم هست. خب این صندوقهای مشکل‌دار یا مثلاً بعضی از مؤسسات مالی مشکل‌دار یا بعضی از دستگاه‌های مشکل‌دار، بعضی از مردم را ناراضی کرده‌اند؛ الان یک سال است یا شاید بیش از یک سال است - ما خبرهایش را داریم؛ خبرها غالباً به ما می‌رسد - اجتماع میکنند در فلان شهر مقابل فلان مؤسسه، مقابل استانداری، مقابل مجلس شورا در اینجا. از این چیزها هست؛ همیشه بوده و هست، هیچ‌کس هم با اینها معارضه و مخالفتی ندارد؛ باید هم به این حرف‌ها رسید، باید گوش کرد، باید شنید، باید در حدّ وسع و توان به آنها پاسخ داد. [البته] در میان درخواست‌ها، اگر ده درخواست هست، ممکن است دو درخواست نابه‌جا باشد؛ [اما] آنهایی که به‌جا است، آنهایی که درست است، آنها را باید همه‌ی ماها دنبال کنیم. من نمی‌گویم «باید دنبال بکنند»؛ خود بنده هم مسئولم، همه‌ی ما باید دنبال کنیم. [البته] من در صحبت‌هایم خطاب به مسئولین عرایضی خواهم داشت که عرض میکنم. این یک حرف است، اما اینها ربطی ندارد به اینکه کسانی بیایند پرچم کشور را آتش بزنند یا کسانی بیایند از اجتماع مردم استفاده کنند، علیه اعتقادات مردم حرف بزنند و فریاد بکشند؛ علیه قرآن، علیه اسلام، علیه نظام جمهوری اسلامی!

من عرض بکنم به شما؛ یک مثلثی در این قضایا فعال بوده است. مال امروز و دیروز هم نیست؛ این سازمان‌دهی شده بوده است. اینهایی که عرض میکنم، همه قرائن اطلاعاتی دارد؛ حالا بعضی آشکار است و حرفهای خودشان است، بعضی هم از طرق اطلاعاتی به دست آمده است. یک مثلثی فعال بودند: نقشه مربوط به آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها است؛ نقشه را آنها کشیدند. چند ماه هم هست دارند نقشه میکشند. اینکه «بیاییم از شهرهای کوچک شروع کنیم، [بعد] به طرف مرکز بیاییم و مردم را نسبت به مطالباتشان فعال کنیم و اینها را داغ کنیم»، این نقشه‌ای است که کشیده شده و چند ماه است روی این نقشه دارند کار میکنند. نقشه مال آمریکایی‌ها و عوامل رژیم صهیونیستی است.

پول مال یکی از این دولتهای خریول (۲) اطراف خلیج فارس است. خب این کارها خرج دارد؛ باید پول بدهند؛ آمریکایی‌ها که حاضر نیستند پول خرج کنند وقتی اینها هستند؛ پول را اینها دادند. این دو ضلع. ضلع سوم پادویی‌اش است؛ پادویی‌اش هم مربوط به سازمان منافقین بود، سازمان آدمکش منافقین؛ پادو، آنها بودند. از ماه‌ها قبل اینها آماده بودند؛ خود رسانه‌های منافقین در همین روزها اعتراف کردند؛ گفتند ما از چند ماه قبل با آمریکایی‌ها در ارتباط بودیم نسبت به این قضیه؛ که پادویی کنند، سازمان‌دهی کنند، بروند این و آن را ببینند، کسانی را در داخل نشان کنند و پیدا کنند که بهشان کمک کنند تا بیایند به مردم فراخوان بدهند - فراخوان را هم آنها دادند - و شعار «نه به گرانی» بگذارند. خب این شعاری است که همه خوششان می‌آید؛ با این شعار یک عده‌ای را جذب کنند، بعد خودشان بیایند وسط، اهداف شوم خودشان را دنبال کنند و مردم را هم دنبال خودشان بکشند؛ هدف این بود.



کاری که مردم در اینجا کردند این است: اول خب یک عده‌ای آمدند؛ البته عده‌ی زیادی هم نبودند، لکن به مجرد اینکه دیدند که اینها هدفهایشان چیست و شعارهایشان معلوم شد، مردم صفها را جدا کردند. همانهایی که روز پنجشنبه و روز جمعه در اجتماعات مطالبه‌ی «نه به گرانی» و امثال اینها شرکت کرده بودند، همانها در روز نهم دی آمدند در تظاهرات عظیم مردم شرکت کردند و علیه آنها شعار دادند؛ علیه آمریکا، علیه منافق شعار دادند. مردم صفشان را جدا کردند.

دو قرارگاه فرماندهی در همسایگی ایران تشکیل دادند. این را خودشان اعتراف کردند، اینها اعترافهای خودشان است؛ نه اعتراف اینجا، بلکه آنهايي که در رسانه‌ها لو میدهند حرفها را و در یک مصاحبه‌ای حرف میزنند و یک چیزهایی میگویند، گفتند که دو قرارگاه فرماندهی عملیات برای فضای مجازی و مدیریت اغتشاشها توسط آمریکایی‌ها و عوامل رژیم صهیونیستی در همسایگی ایران تشکیل شد؛ این را خودشان اعتراف کردند. یعنی همه چیز را از پیش آماده کردند، از قبل هم برای خودشان پیروزی را قطعی دانستند؛ الحمدلله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء؛ خدا را شکر! با این همه حوادث پی‌درپی، هنوز این ملت را نشناخته‌اند، هنوز نفهمیده‌اند این سدّ محکم ایمان ملی و ایستادگی ملی و شجاعت ملی معنایش چیست؛ به اعماقش نرسیده‌اند. آن وقت این بیچاره‌های بازی خورده‌ی بدبخت روسیاه در داخل، از یک طرف گفتند «جانم فدای ایران»، از یک طرف پرچم ایران را آتش زدند! بی‌عقل‌ها نفهمیدند که خب این دو تا که با هم نمیسازد. [گفتند] «جانم فدای ایران»؛ خب حالا ان شاءالله قربان ایران بروید شما (۳) اما از کی تا حالا شماها - این هیئت‌ها، این تیپ‌های این جوری - در مقابل دشمنان ایران سینه سپر کرده‌اید؟ در مقابل دشمن ایران هم همین جوان حزب‌اللهی باز سینه سپر کرده، جوان انقلابی سینه سپر کرده. سیصد هزار شهید دوران دفاع مقدس چه کسانی بودند؟ بعد از آن، شهدائی که ما داشتیم چه کسانی بودند؟ همین بچه‌های مؤمن و انقلابی بودند که از کشورشان دفاع کردند، در مقابل ضدّ انقلاب، در مقابل مهاجم خارجی، در مقابل آمریکا؛ شما کی قربان ایران رفتید که میگویید «فدای ایران»؟ آن وقت میگوید «فدای ایران»، بعد می‌آید پرچم را آتش میزنند! این واقعاً نشان‌دهنده‌ی بی‌عقلی نیست، نشان‌دهنده‌ی خامی و ناپختگی نیست؟

اما آمریکا؛ آمریکا عصبانی است، بشدت عصبانی است. از که عصبانی است؟ فقط از این حقیر که عصبانی نیست، از شما هم عصبانی است؛ از ملت ایران عصبانی است، از حکومت ایران عصبانی است، از انقلاب ایران عصبانی است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه شکست خورده؛ از این حرکت عظیم شکست خورده. حالا مسئولین آمریکایی افتاده‌اند به مهمل‌گویی! رئیس‌جمهور آمریکا میگوید «حکومت ایران از مردمش میترسد»؛ نه، حکومت ایران متولد این مردم است، مال این مردم است، به وسیله‌ی این مردم به وجود آمده، تکیه‌ی به این مردم میدهد؛ چرا بترسد؟ اگر این مردم نبودند که حکومتی نبود؛ اینکه چهل سال این حکومت در مقابل شما ایستاده، به کمک این مردم ایستاده؛ مردم بودند که توانستند کمک کنند به حکومت که بتواند در مقابل شما بایستد. میگوید که «حکومت ایران از قدرت آمریکا هراس دارد»؛ خب اگر ما از شما هراس داریم چطور دهه‌ی ۵۰ شما را از ایران بیرون ریختیم و دهه‌ی ۹۰ شما را از کلّ منطقه خارج کردیم. میگوید «مردم ایران گرسنه‌اند و به غذا احتیاج دارند»، [درحالی‌که] در آمریکا طبق آمار خودشان، پنجاه میلیون گرسنه‌ای هست که به نان شب احتیاج دارد؛ آن وقت میگوید «مردم ایران [گرسنه‌اند]!» مردم ایران با عزّت و شرف زندگی کرده‌اند، ان شاءالله به توفیق الهی، به کمک الهی روزبه‌روز هم بهتر خواهند شد، مشکلات اقتصادی‌شان هم به کوری چشم شما برطرف خواهد شد.

رئیس‌جمهور آمریکا ابراز نگرانی میکند! در این پنج شش روز، هر روز تقریباً یک اظهار نظری ایشان کرده. (۴) اظهار



نگرانی میکند از رفتار با معترضین که «ما نمیدانیم مثلاً حکومت ایران با معترضین [چه میکند]». خجالت نمیکشید؟ (۵) شما در طول یک سال، پلیستان هشتصد نفر از مردم خودتان را کشته! در یک کشوری، در یک سال، پلیس که ضامن حفظ امنیت مردم است، هشتصد نفر آدم را بکشد؟ شما کسانی هستید که در قضیه‌ی آن قیام وال استریت هرچه توانستید علیه مردم کار کردید، لگد کردید، زدید؛ به تهمت‌ی یا به احتمالی آدمها را کشتید؛ یک زن راننده‌ای دارد در ماشین رانندگی میکند، این پلیس سوءظن پیدا میکند و میزند زن را در مقابل بچه‌ی کوچکش میکشد! این اتفاقات پی‌درپی در آمریکا اتفاق افتاده است.

و انگلیس! مسئولین انگلیس خبیث هم اظهار نگرانی میکنند. قاضی انگلیسی در قضیه‌ی حمله‌ی به مسلمانها و دفاع مسلمانها از خودشان - که همین اواخر اتفاق افتاد - حکم داد که اگر مسلمانی سنگ را بردارد اما پرتاب نکند، چهار سال زندانی دارد، اگر پرتاب کرد هفت سال زندانی دارد! این قاضی شما است. این حضراتی که گاهی اوقات قضاوت‌های در فیلم‌های هالیوودی را، فیلم‌های سینمایی را - که پخش میکنند که قاضی این جوری گفت، پلیس این جوری کرد - باور میکنند و خیال میکنند که دستگاه‌های قضائی غرب آن جوری است، بشنوند این حرفها را: قاضی انگلیسی حکم کرد که اگر سنگ را برداشتی و پرتاب نکردی، چهار سال زندانی داری، اگر پرتاب کردی هفت سال؛ کوکتل مولوتف اگر درست کردی و برداشتی [ولی] پرتاب نکردی، هفت سال، و الا اگر پرتاب کردی پانزده سال زندانی دارد. این جوری برخورد میکنند؛ آن وقت اینها شده‌اند دلسوز معترضین در ایران که نبادا به اینها ظلم بشود!

هدف نهایی آنها معلوم است؛ البته دولت قبل آمریکا این را به رو نمی‌آورد، خلاف این را میگفت؛ [اما] آنها هم هدفشان همین بود: براندازی جمهوری اسلامی. دولت قبلی اصرار میکرد، تکرار میکرد که ما جمهوری اسلامی را قبول داریم؛ به بنده هم چند نامه نوشت و در این نامه‌ها هم همین را مدام تکرار کرده که ما جمهوری اسلامی را قبول داریم؛ لکن خب ما میدیدیم؛ آدم چشمش باز است، ملتفت میشود؛ رفتار، رفتار براندازی بود. اینها که دیگر حالا همین‌طور صریح و بدون هیچ ملاحظه‌ای همین حرفها را بیان میکنند، میگویند که باید جمهوری اسلامی را براندازی کنیم؛ هدف این است.

خب وسیله چیست؟ درست به این [نکته] توجه بفرمایید! وسیله‌شان این است که ابزارهای اقتدار ملی را از جمهوری اسلامی بگیرند. اقتدار ملی ابزارهایی دارد: یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی عواطف مردم و افکار عمومی مردم است که در جهت صلاح و حکمت مردم و حکومت حرکت میکند؛ این افکار عمومی است، میخواهند این را از جمهوری اسلامی سلب کنند.

یکی از ابزارهای اقتدار ملی ما - حالا این را بخصوص من اسم می‌آورم برای اینکه اینها زیاد تکرار میکنند - همین حضور ما در منطقه است؛ حضور قدرتمندانه‌ی جمهوری اسلامی در منطقه، یکی از ابزارهای اقتدار ملی است؛ ملت را قدرتمند نشان میدهد و واقعاً هم هست؛ میخواهند این را از بین ببرند. حالا فلان رئیس‌جمهور اروپایی (۶) - آمریکایی‌ها که جرئت نمیکند اسم مذاکره‌ی با ما را بیاورند - [میگوید] «ما میخواهیم درباره‌ی حضور ایران در منطقه بحث کنیم»؛ خب، [ما باید] درباره‌ی حضور شما در منطقه بحث کنیم؛ شما چرا میخواهید در منطقه حضور پیدا کنید؟ این از ابزارهای اقتدار ملی است؛ این را میخواهند سلب کنند از جمهوری اسلامی.

یکی از ابزارهای اقتدار ملی قدرت دفاعی کشور است؛ این را میخواهند از جمهوری اسلامی بگیرند. اینکه می‌بینید



این قدر روی مسئله‌ی موشک هیاهو میکنند، جنجال میکنند، به خاطر این است. اگر چنانچه یک ملتی توانست به کسی که از راه دور به او موشک پرتاب میکند، پاسخ مناسب بدهد، خب این یک اقتدار است؛ این اقتدار را امروز جمهوری اسلامی دارد و اینها میخواهند نداشته باشد؛ ابزارهای اقتدار ملتی را میخواهند بگیرند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملتی، جوان مؤمن ما است؛ میخواهند این ایمان را از جوان بگیرند. این جوان مؤمن است که در مسئله‌ی هسته‌ای، در مسئله‌ی پیشرفته‌های علمی، در نانو، در رویان، در بقیه‌ی بخشهای علمی بیدار خوابی میکشد، سختی میکشد تا اینکه یک پیشرفت علمی را به نهایت برساند؛ این جوان مؤمن است، اینها بچه‌های مؤمن ما هستند و خیلی از اینها را ما از نزدیک می‌شناسیم. اینها میخواهند این ایمان را از این جوان بگیرند، انگیزه را میخواهند از این جوان بگیرند.

خب حالا من چند مطلب را عرض بکنم که خیلی طولانی نشود صحبت‌مان. یک مطلب خطاب به آمریکایی‌ها است. اولاً حضرات هیئت حاکمه‌ی آمریکا! این دفعه سرتان به سنگ خورد؛ ممکن است تکرار کنید، بدانید باز هم سرتان به سنگ خواهد خورد. ثانیاً خسارت زدید به ما در این چند روز، ممکن است در آینده هم خسارت بزنید؛ بدانید بی‌تقاص نخواهد بود. ثالثاً، هم این آقایی که در رأس آنجا است بداند - اگرچه ظاهراً آدم متعادلی نیست (۷) و همین روزها در آمریکا صحبت مشکل روانی و [نیاز به] دکتر روانی و روانشناس و مانند اینها برایش هست؛ اینها را خب ما هم شنیده‌ایم - هم اجزای حکومت [آمریکا] و دوروبری‌ها! این دیوانه‌بازی‌های نمایشی هم بی‌جواب نخواهد ماند. جمهوری اسلامی بر پایه‌ی ارکان و اصول خود محکم می‌ایستد، از آنها دفاع میکند، از ملتش دفاع میکند، از منافعش دفاع میکند و تسلیم زورگویی و مانند اینها نمیشود. این حالا راجع به آنها؛ این خطاب به آمریکا بود.

آنهايي هم که دوست میدارند با آمریکایی‌ها بنشینند و برخیزند و شب‌نشینی کنند و با آنها پیوند بخورند - چه از خارج از ایران، چه حالا متأسفانه بعضی‌ها هم در داخل که ممکن است این جور فکر کنند، حرکت کنند - اینها هم همین حرفی که به آن حضرات گفتیم بشنوند، بدانند که این ملت و این نظام محکم ایستاده است و به توفیق الهی همه‌ی مشکلات و ضعفها را برطرف خواهد کرد؛ این نظام توانایی این کار را دارد و ان شاء الله خواهد کرد. این خطاب به آمریکایی‌ها.

یک خطابی [هم] دارم من به مسئولان حکومتی خودمان - که البته این، شامل خود حقیر هم میشود - و عناصر سیاسی، عناصری که در کار سیاست فعالند، فکر میکنند، مینویسند، میگویند، اقدام میکنند؛ هم به اینها، هم به مسئولین حکومتی: اولاً ما از دشمن خارجی گفتیم، اینهایی که گفتیم تحلیل نبود، واقعی بود، خبر بود، اطلاع بود؛ دشمن خارجی هست، اما این موجب نشود که از ضعفهای خودمان غافل بشویم. ما هم ضعف داریم، ما هم یک جاهایی اشکال و نارسایی و نابسامانی در کارمان هست؛ این جور نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، هیچ مشکلی در کار ماها نیست، فقط دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد میکند]؛ نه، مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها میتوانند اثر بگذارند، نه آمریکا میتواند هیچ غلطی بکند. ما مشکلاتمان را باید خودمان حل کنیم؛ مشکلات داخلی را باید حل کنیم، ضعفهایمان را باید حل کنیم؛ ما ضعف داریم. دفاع از حقوق مظلومین وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ بخصوص [دفاع از] ضعفا و از حقوق ملت وظیفه‌ی ما است، بخصوص [دفاع از] طبقات ضعیف ملت؛ همه بایستی مراقب باشیم. حالا طبقاتی هستند که مرفهند، مشکلات زندگی آنها را فشار نمیدهد؛ اما یک گروه مهمی هم در کشور هستند که



فشارهای زندگی، آنها را زیر فشار قرار میدهد. باید همه‌ی همّت ما این باشد که اینها را از زیر فشار خارج کنیم؛ تلاشمان باید این باشد.

یک مطلب دیگر اینکه هر سه قوه مشکلات کشور را بشناسند و روی یکایک مشکلات متمرکز بشوند. ما [اگر مشکلات را] فهرست کنیم، فرض کنید ممکن است ده پانزده مشکل اساسی داشته باشیم و اینها را روی کاغذ بنویسیم؛ [باید] تقسیم کار کنیم، متمرکز بشویم روی این مشکل، زمان بگذاریم برایش [و آن را] حل کنیم. بنده چندین جلسه تشکیل داده‌ام برای آسیب‌های اجتماعی؛ الان حدود دو سال یا دو سال و نیم است که هر چند وقت یک بار، ما اینجا یک جلسه برای آسیب‌های اجتماعی با مسئولین اساسی و درجه‌ی یک کشور از وزرا و نمایندگان و مسئولان نهادها و رؤسای قوا و مانند اینها تشکیل می‌دهیم، راجع به آسیب‌های اجتماعی بحث می‌کنیم، صحبت می‌کنیم. آنجا من گفته‌ام به آقایان؛ بایستی هرکدام از اینها را تقسیم کار کنند. البته در بخشی از کارها انصافاً خوب هم حرکت کرده‌اند، پیش هم رفته‌اند؛ در بعضی از مسائل متمرکز شده‌اند، کار کرده‌اند، پیش رفته‌اند. ما مشکل غیر قابل حل در کشور نداریم که بگوییم این مشکل غیر قابل حل است، [یا] این گره بازنشده است؛ نداریم چنین چیزی؛ این را همه بدانند. همه‌ی این گره‌ها بازشده است، [منتها] یک مقداری باید خودمان را آماده‌تر کنیم، پایه‌رکاب‌تر باشیم، بیشتر کار کنیم، دقیق‌تر کار کنیم.

نکته‌ی بعدی این است که همه با هم باشند؛ مسئولین کشور همه با هم باشند. بله، هر بخشی از کشور، یک حوزه‌ی مسئولیتی دارد که جوابگو باید باشد، آن حوزه‌ی دیگر به این ربطی ندارد؛ این را میدانیم. مجلس شورای اسلامی، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخشها و نهادها، هرکدام یک حوزه‌ی مسئولیتی دارند، کار حوزه‌ی دیگر به آنها مربوط نیست، از آنها سؤال نمیشود؛ لکن این مال حالت عادی است. وقتی که شما می‌بینید دشمن دارد تهدید میکند شما را -دشمنی لجباز، لجوج- و مشکلاتی به وجود می‌آورد با کارهایی که کرده‌اند در داخل کشور، بایستی همه با همدیگر همدست باشند، همه کنار هم بایستند. این را من به همه عرض می‌کنم؛ هم به مسئولین کشور، هم به همین مجموعه‌های سیاسی کشور. همه با هم همکاری کنند، تلاش کنند، هم‌افزایی کنند، یکدیگر را تحلیل نبرند. این جور نباشد که این یکی یک حرفی بزند که این دیگری را تحلیل ببرد، این هم باز یک حرفی بزند که آن را تحلیل ببرد. هم‌افزایی کنند! نظام یکپارچه است؛ نظام جمهوری اسلامی یک نظام یکپارچه است. بله، همه‌ی بخشها مسئولیتهای جداگانه‌ای دارند اما نظام، یک نظام است، قوه‌ی مجریه هم مال همین نظام است، قوه‌ی قضائیه هم مال همین نظام است، قوه‌ی مقننه هم مال همین نظام است، نیروهای مسلح هم مال همین نظامند، نیروهای امنیتی هم مال همین نظامند، دستگاه‌های علمی هم مال همین نظامند؛ همه با همند.

نکته‌ی بعدی: همه قانون را معیار بدانند؛ ما از بی‌قانونی ضرر می‌کنیم، ضربه می‌خوریم. سال ۸۸ دیدید؛ اینکه کشور در سال ۸۸ دچار خسارت شد -سال ۸۸، هم خسارت مادی پیدا کردیم، هم آبرویمان در دنیا به خطر افتاد- به خاطر چه بود؟ به خاطر بی‌قانونی. به اینها گفتیم بیابید طبق قانون عمل کنیم؛ قانون مشخص است. شما می‌گویید انتخابات ایراد دارد؛ خیلی خب، آنجایی که انتخابات ایراد دارد، تکلیف قانونی واضح است که چه جوری باید حل کرد قضیه را؛ خب بیابید طبق آن عمل کنیم. نکردند، زیر بار قانون نرفتند، بی‌قانونی کردند، خب مشکل درست کردند؛ برای کشور مشکل درست کردند، برای خودشان مشکل درست کردند، برای مردم مشکل درست کردند؛ هفت هشت ماه همین‌طور پشت سر هم ناامنی و مشکلات گوناگون درست کردند. این به خاطر نرفتن زیر بار قانون است. توصیه‌ی بنده، تأکید بنده، طلب بنده از دستگاه‌های مختلف، این است که همه تسلیم قانون باشند.



یک نکته‌ی دیگر اینکه انتقاد کار خوبی است و کار لازمی است، تذکر کار خوبی و کار لازمی است، اما تذکر و انتقاد را به صورت «یک کلاغ چهل کلاغ» مطرح نکنند. ما در قوه‌ی مجریه چند هزار مدیر داریم؛ خب از بین این چند هزار مدیر، ممکن است من باب مثال ده دوازده نفر آدمهای فاسدی باشند. این را [اگر] ما بزرگ کنیم، درشت کنیم، تعمیم بدهیم به همه‌ی مدیران، آن وقت جوان ما اگر چنانچه این را بشنود از زبان من و شما، حق دارد که دلش آب بشود و بگوید «عجب! همه‌ی مدیران ما دچار این مشکل هستند». نه آقا! حالا بین چند صد یا چند هزار مأمور قوه‌ی مجریه یا مأمور قوه‌ی قضائیه، چند نفر نابابند. در قوه‌ی قضائیه [هم] همین جور؛ این همه قضات شریف و زحمت‌کش مشغول کارند، خب بله، قطعاً چند قاضی ناباب هم وجود دارند؛ میدانیم. در همه‌ی زمانها هم بوده، الان هم هست، با اینها برخورد هم میکنند؛ هم بنا است با اینها برخورد بشود در قوه‌ی مجریه، هم بنا است با اینها برخورد بشود در قوه‌ی قضائیه، هم بنا است با این افراد ناباب برخورد بشود در قوه‌ی مقتنه، در مجلس. حالا گیرم مثلاً از دویست سیصد نماینده‌ی مجلس، یکی یا دو نماینده به وظایفشان عمل نکنند یا جور دیگری مشی بکنند؛ نمیشود تعمیم داد اینها را. پس تذکر اگر میدهیم، انتقاد اگر میکنیم، منصفانه باشد؛ این جور نباشد که مبالغه کنیم، تعمیم بدهیم، سیاه‌نمایی کنیم. سیاه‌نمایی یعنی همین «یک کلاغ چهل کلاغ»؛ این سیاه‌نمایی است.

نکته‌ی بعدی این است که مسئولین کشور بایستی به مسئله‌ی اشتغال و تولید - که ما امسال را سال اشتغال و تولید داخلی قرار دادیم - اهمیت بدهند؛ اینها مسائل کلیدی است. این [نکته] بیشتر خطاب به مسئولین اجرائی است؛ البته بقیه‌ی مسئولین هم ممکن است نقش داشته باشند. ما البته مشکل واردات را به مسئولین محترم قوه‌ی مجریه بارها گفته‌ایم. بعضی‌ها گله میکنند که چرا فلانی تذکر نمیدهد؛ نخیر، بنده زیاد تذکر میدهم. اینکه می‌بینید من گاهی علناً یک چیزی می‌گویم، این یک‌دهم تذکرات و اوقات تلخی‌ها و هشدارهای ما با این آقایان نیست. در جلسات حکومتی، بنده غالباً تذکر، هشدار و مطالبه، زیاد دارم. این جور هم نیست که ما از قضایا مطلع نباشیم؛ حالا بعضی‌ها می‌گویند فلانی از فلان قضیه مطلع نیست؛ بنده از آن مسائل اجتماعی و عمومی و اساسی‌ای که مردم از آنها مطلع میشوند، باید ده برابر آنها مطلع باشم و الحمدالله هستم. گزارشهای فراوان از جاهای مختلف - چه مردمی، چه دولتی، چه رسمی، چه غیر رسمی - به ما میرسد، نگاه میکنیم، میفهمیم قضایا را، ملتفتیم مشکلات را. آنچه بنده دنبالش هستم این است که این نقاط کلیدی دنبال بشود، اهتمام به اینها ورزیده بشود. مسئله‌ی اشتغال جزو اینها است؛ خیلی از این مفاسد و آسیب‌های اجتماعی، در صورتی که اشتغال باشد، از بین خواهد رفت؛ خیلی از این مفاسد ناشی از بیکاری جوانها است. اگر بخواهیم اشتغال به وجود بیاید، باید به مسئله‌ی تولید اهمیت بدهیم و تولید داخلی را با شیوه‌های درست، با سیاستهای دقیق، پیش ببریم. پول پاشیدن بی‌حساب و کتاب ما را به جایی نمیرساند؛ باید حساب کنیم، دقیق عمل کنیم. الحمدالله مجموعه‌ی مسئولین در قوه‌ی مجریه دنبال این مسائل هستند، دارند دنبال میکنند ان شاءالله، ما هم کمکشان میکنیم هرچه بتوانیم؛ ان شاءالله به نتایجی برسند.

نکته‌ی بعدی این است که مسئولین انتظامی ما، مسئولین امنیتی ما، سپاه ما، بسیج ما، در این قضایا به وظایفشان عمل کردند، خوب هم عمل کردند، مسئولین بالای کشور هم از اینها تشکر کردند، بنده هم تشکر میکنم؛ منتها توجه بشود: آن جوانی یا نوجوانی که تحت تأثیر هیجانی یک شبکه‌ی اینترنتی در فضای مجازی قرار میگیرد و یک حرکتی میکند یا یک کلمه حرف میزند، با آن کسی که با دستگاه‌های سازمان یافته مرتبط است و جزو آن پادوها است، فرق دارد؛ اینها را یک جور به حساب نیاورند. بعضی‌ها البته اسم دانشجویها را می‌آورند؛ فرقی بین دانشجو و غیر دانشجو نیست؛ محیط دانشگاه ما بحمدالله یکی از بهترین و سالم‌ترین محیطها است. ما چند میلیون دانشجو امروز داریم که مشغول درس خواندن، مشغول تحقیق کردن، مشغول کار کردند، دانشگاه‌های ما هیچ مشکلی



نداشته است؛ حالا یک چند نفر هم ممکن است آمده باشند در این ماجراها خودشان را گیر انداخته باشند؛ بی خودی پای دانشجویها را به میان نکشند. اگر کسی واقعاً مجرم بود، طلبه و دانشجو و معمم و غیرمعمم و باسواد و بیسواد فرقی نمیکند؛ منتها مسئولین ذی ربط تفاوت بگذارند بین آن کسی که همین طور که عرض کردیم، مثلاً فرض کنید که بر اثر یک هیجانی از فضای مجازی احساساتی میشود و یک کاری میکند یا یک حرفی میزند، با آن کسی که مرتبط با شبکه‌ی پادوهای آمریکایی و مرتبط با منافقین است؛ اینها با هم یکسان نیستند. این هم یک نکته. با آن [گروه] اول باید روشنگری کرد، باید با آنها حرف زد، اما اینکه کسی آدم میگردد، کسانی که در دورود، در تویسرکان، در خمینی شهر قتل میکنند، تخریب میکنند، یک حرف دیگر است؛ اینها با هم یکی نیست. این هم عرایض ما به مسئولین.

به مردم عزیزمان هم دو سه جمله عرض بکنم - البته همه‌ی این حرفها خطاب به مردم هم بود- به مردم عرض میکنم که خدا از شما راضی باشد؛ خوب عمل کردید؛ خوب عمل کردید. در طول این سالها هر جا کشور نیاز داشت، شماها وارد شدید؛ بی‌ممت، بی‌توقع، با بصیرت وارد میدان شدید. ملت عزیز ما خیلی خوب عمل کرد. خداوند ان شاء الله توفیقاتش را، رحمتش را، فضلش را بر این ملت نازل کند. سینه سپر کردید، این کشور را شما نجات دادید؛ ملت ایران نجات داد. هم در قضایای دفاع مقدس که ملت نجات داد، هم در قضایای سیاسی، هم در قضایای علمی. علم را [هم] جوانهای شما پیش بردند. همین طور که اشاره کردم، در این دستگاه‌هایی که پیشرفت علمی هست، بیشتر این جوانهای مردمند، [یعنی] همه‌ی آنها جوانهای مردمند، بچه‌های شما هستند که دارند کار علمی میکنند. حضور شما به کشور آبرو داده است. هر جا حضور مردم لازم است - حالا چه بیست و دوّم بهمن، چه روز قدس، چه در قضایایی مثل نهم دی و امثال اینها - مردم حاضر میشوند؛ آبرو دادید به [کشور]. در انتخابات، در راه‌پیمایی‌ها، در هر جا که حضور مردمی لازم بوده است، حضور مردم توانسته است [تأثیر بگذارد]؛ آبروی کشور را شما حفظ کردید.

آنچه لازم است توجه کنید، این است که امروز یکی از مهم‌ترین تدابیر دشمنان ما شایعه‌پراکنی است. همین طور که عرض کردم، افکار عمومی مردم، مایه‌ی اقتدار ملی است. برای اینکه این افکار عمومی را عوض کنند چه کار میکنند؟ دروغ شایع میکنند؛ شایعه‌پراکنی میکنند. شما اولاً شایعه‌های دشمن را اشاعه ندهید که یک حرف بی‌مبنایی را از یکی بشنویم، بعد این را پنج جا، شش جا نقل کنیم؛ خوب، این همان کاری است که دشمن میخواهد؛ [پس] این کار را نکنید؛ شایعه‌های پراکنده‌شده‌ی به‌وسیله‌ی دشمن را ما تکرار نکنیم. بعد هم [شایعات را] باور نکنیم؛ تا مادامی که یک سند درستی، یک مطلب منطقی معقولی وجود نداشته باشد، حرف دشمن را که نباید باور کرد.

یک نکته‌ی دیگر هم این است که همه بدانند که مسئولین ارشد کشور دارند کار میکنند. اینکه ما خیال کنیم که [مسئولین] گرفته‌اند خوابیده‌اند، کار نمیکنند، غلط است؛ این جور نیست؛ بنده از نزدیک شاهدیم، میبینم. مسئولین ارشد به قدر وسعشان دارند کار میکنند؛ البته یک جاهایی قصور هست، تقصیر هست - نه اینکه اینها را منکر باشیم؛ بنده‌ی حقیر هم، هم قصور دارم، هم تقصیر دارم؛ خدا ببخشد - ولی مسئولین دارند کار میکنند، دارند تلاش میکنند. اینکه شایع کنند که «آقا، فایده‌ای ندارد، کاری نمیتوانند بکنند؛ کاری [ممکن] نیست، همه‌جا قفل است»، قضیه این جور نیست؛ بعضی از مشکلات در حال حل است، بعضی از مشکلات قابل حل است، بعضی از مشکلات حلش زمانبر است؛ اینها را باید توجه داشت. خیلی از مشکلات را انسان از دور وقتی نگاه میکند، بسادگی



حل میکند، نزدیک که میشویم، می بینیم آن قدر ساده نیست. من یادم هست زمان حیات امام (رضوان الله علیه) بعضی ها می آمدند خدمت ایشان، شکایت میکردند مثلاً از فلان مسئول دولتی -حالا بنده آن وقت رئیس جمهور بودم؛ از بنده یا از نخست وزیر یا از فلان وزیر- که آقا اینها مثلاً فرض کنید که فلان کار را باید میکردند، نکردند و مانند اینها؛ امام گوش میدادند، وقتی حرفش تمام میشد، میگفتند اداره ی یک کشور سخت است؛ واقعاً هم همین جور بود. سخت است، کار سختی است، کار آسانی نیست؛ تلاش لازم است، ابتکار لازم است، بروز بودن، بهنگام بودن لازم است، آمادگی های جسمی لازم است، آمادگی های عصبی لازم است؛ خوب، مسئولینی هستند که همه هم تقریباً مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب خود مردمند، دارند هم کار میکنند؛ باید کمک کرد؛ همه باید به مسئولین کمک کنند تا بتوانند کار خوب انجام بدهند.

بنده البته تذکراتی میدهم -عرض کردم، آنچه من گاهی علنی میگویم، یک دهم آنچه در جلسات خاص با آقایان عرض میکنیم هم نمیشود؛ گاهی هشدار میدهم، گاهی دعوا میکنیم؛ معمولاً مسائل گوناگون را تذکر میدهم -منتها خوب عرض کردیم، به قدر وسع. بنده این را به همه عرض بکنم: من مردم سالاری دینی را صادقانه قبول کرده ام، ما واقعاً قبول داریم مردم سالاری دینی را؛ هر کسی را که این مردم انتخاب بکنند، ما او را رئیس میدانیم، او را مسئول میدانیم، کمک به او را لازم میدانیم و وظیفه ی خودمان میدانیم؛ با همه ی دولت ها این جور بوده، با این دولت هم همین جور است. بنده به همه ی دولت ها کمک کرده ام. البته من در کارهای جزئی اینها دخالت نمیکنم، در وظایف ویژه ی اینها دخالتی نمیکنم اما کمکشان میکنم. همه ی دولت ها را بنده کمک کرده ام، به این دولت محترم هم همین طور، کمک میکنم.

و امید و نگاه بنده نسبت به آینده ی این کشور خیلی روشن است. بنده میدانم که خدای متعال اراده فرموده است که این ملت را به متعالی ترین درجات برساند و بدانید که ان شاء الله ملت ایران به برکت اسلام، به برکت نظام اسلامی، بدون تردید به عالی ترین درجات یک ملت در حدّ اندازه ی ملت ایران خواهد رسید و بدانید که توطئه ی دشمن، خرابکاری دشمن، حمله ی دشمن، ضربه ی دشمن هیچ اثری نخواهد داشت و به معنای واقعی کلمه، دشمن هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله

۱) ۱۳۹۶/۱۰/۷

۲) خنده ی حضار

۳) خنده ی حضار

۴) خنده ی حضار

۵) خنده ی حضار

۶) امانوئل مکرون (رئیس جمهور فرانسه)

۷) خنده ی حضار